

# از تحرک "دلواپسان" تا فعال شدن دولت پنهان!

تقی روزبه



واقعیت آن است که در برابر تحرکات عملی باندها و جناح افراطی، دولت روحانی بیشتر به گفتار درمانی توسل جسته است که به هیچ وجه پاسخ گوی تعرض این جناح نیست. انفعال او در برابر حمله به زندانیان سیاسی نمونه بارزی از این رویکرد است.

اگر بیاد داشته باشیم چند مدت پیش یکی از نمایندگان این طیف در مجلس، حسینیان حامی معروف سعید امامی از دست اندرکاران اصلی قتل های زنجیره ای، در سخنانی رسماً شروع فاز جدیدی از فعالیت مخالفان دولت را اعلام داشت که به گفته وی باید آن را پایان رویکرد "تحمل و تسامح" تا کنونی دولت از سوی این جریان و آغاز دوره تازه ای از مخالفت خوانی مستقیم با آن دانست.

مدتها پیش رهبر با اصطلاح معنوی این جریان، مصباح یزدی، با لحن بی سابقه ای دولت را دروغگو و هموارکننده مسیر سکولاریسم و لیبرالیسم خوانده بود. تحرکات تازه این طیف در همین مدت نشان دهنده آن است که آنها همانطور که اعلام کرده بودند، شمشیر را از روبسته و در تمامی حوزه ها نظیر مذاکرات ژنو، که دولت را به تسلیم و سازشکاری متهم می کنند، عدم دفاع قاطع از گشت های حجاب و عفاف، سست کردن تداوم جوپادگانی در دانشگاه ها و مخالفت با سیاست های آموزش و پرورش و عرصه فرهنگی، عدم برخورد لازم با خطاهای رسانه های وابسته به اصلاح طلبان و یا شل کردن بندهای فیلترینگ و... نه فقط به افشاگری فعال تری روی آورده اند بلکه با متهم کردن دولت به ضعف و عقب نشینی در مقابل دشمنان و مخالفان نظام، خود مقابله مستقیم روی آورده اند. هم چنین آنها ضمن برگزاری تجمعات بدون مجوز، در عین حال سرسختانه با هرگونه تجمع و گردهمایی مخالفان خود و نیز حامیان دولت و اصلاح طلبان حتی اگر آنها مجوزی هم داشته باشند مخالفت می ورزند و فراتراز آن با بسیج چماقداران، این گونه تجمعات و مراسم را به هم می زنند. ممانعت از سخنرانی رفسنجانی که منجر به کنسل شدن آن شد، و اخیراً تهدید هجوم به سخنرانی حسن خمینی و یا حمله به مراسمی که با حضور خاتمی به مناسبت بزرگداشت

پدرهمسرش در فضای دانشگاهی ترتیب داده شده بود و یا ممانعت از مراسم و تجمعاتی چون سخنرانی احسان شریعتی در یکی از شهرها و در اقصی نقاط کشور و یا دانشگاه ها، وارد فزاید اقدامات عملی شده اند. فیلم من روحانی هستم، برگزاری تجمع علیه بدحجابی مقابل وزارت کشور و یا اعلام تجمع دوم دلوایپسان مقابل مجلس، همه و همه بخشی از تحرکات تازه آنهاست. نگاهی به فعال شدن همزمان حلقه های گوناگون وابسته به این جریان نظیر حلقه روحانیت، حلقه نمایندگان آنها در مجلس، فعال شدن چماقداران، برگزاری همایش ها، از جمله همایش گسترده و پرسروصدای "دلوایپسیم" در سفارت سابق آمریکا و نگاهی به ترکیب شرکت کنندگان در آن، فعال شدن بسیج دانشجویی و بخش باصطلاح رسانه ای فرهنگی و هنری وابسته به سپاه ... حکایت از هم آهنگ شدن آنها از مرکز واحدی دارد. در این میان نقش سپاه و رسانه های وابسته به آن در سازماندهی این جریان ها برکسی پوشیده نیست. موضع گیری های اخیر سپاه علیه دولت نظیر صدور بیانیه اعتراضی نسبت به گزارش پی آمدهای مخرب تولید بنزین سمی و یا پخش پارازیت در اماکن مسکونی و مشرف به آن و نارضایتی از عدم تخصیص سهمی که در اقتصاد مقاومتی برای خود می طلبند، بازتاب دهنده نارضایتی سپاه از روند امور است. حمله به زندانیان سیاسی را نیز باید بخشی از پروژه امنیتی کردن و تشدید فضای ارباب و اختناق سیاسی توسط این جناح افراطی و باهدف کورکردن مطالبه فراگیر آزادی زندانیان سیاسی به شمار آورد. بهر حال فعال شدن مجدد دولت موازی و پنهان و اتاق فکر آنها و در مرکز آن سپاه و بسیج را باید یکی از تحولات جدید پس از طی ۹ ماه از روی کار آمدن دولت روحانی دانست.

بزعم نیروهای افراطی و شبه فاشیست وابسته به حاکمیت، اکنون فرصت مناسبی برای عرض اندام آنها و فلج کردن اقداماتی که به مذاق آنها خوش آیند نیست فراهم شده است. ناگفته نماند که عقبه این جریان به نحوی به بیت رهبری وصل می شود. چنانکه خامنه ای با امتناع از حضور در نمایشگاه کتاب به نحوی نارضایتی خود را از سیر تحولات فرهنگی و اجتماعی ( چون برخی مخالفت ها با گشت ارشاد و یا برخورد با باصطلاح بدحجابان، و یا کاستن از دامنه فیلترینگ و سانسور و.. ) به نمایش گذاشت و باین ترتیب سیکنال مثبتی برای این جماعت ارسال داشت. البته او پیشتر هم در پیام سال جدید در کنار اقتصاد مقاومتی بر تحقق مدیریت جهادی در حوزه فرهنگی و مبارزه علیه رخنه بسیار خطرناک مهاجم فرهنگی انگشت تأکید نهاده بود و حتی فراتر از آن به طور تلویحی نهادهای گوناگون متولی فرهنگی را برای به میدان آمدن و اقدامات موازی و خودسرانه تشویق کرده بود.

اساسا درپی بهم خوردن تعادل مستقر رژیم درپی انباشت بحران چندجانبه، و خوردن جام زهر و عقب نشینی قهرمانانه، حاکمیت برای حفظ بقاء خود، سیاست متضاد و دوگانه قبض و بسط درحوزه داخلی (تشدید سرکوب و اختناق) و درحوزه خارجی گشایش مناسبات با قدرت های بزرگ در حوزه های تحریم نفتی و بانکی فلج کننده را درپیش گرفت و برآن شد که با تلاش مضاعف برای عایق بندی بین ایندو عرصه، از بهم خوردن بیشتر تعادل خود و یا احیانا نفس تازه کردن جنبش ضد استبدادی-مذهبی و مطالباتی ممانعت به عمل آورد

## در تهاجم جدید نیروهای شبه فاشیستی و اقتدارگرا دو نکته را نباید نادیده گرفت:

نخست آنکه نگرانی اصلی آنها نه از دولت بلکه از افزایش روحیه و اعتماد به نفس مردم و به میدان آمدن مستقیم آنها و فعال شدن کارگران و دانشجویان و زنان و هنرمندان و سایر اقشار جامعه است که اساسا با سیاست های واپسگرایانه و ضد مردمی حاکمیت سراپا فاسد و گندیده در تقابلند و در جستجوی آزادی و عدالت اجتماعی می باشند، آنانی که انزوایشان در انتخابات گذشته را نیز رقم زدند. و در اصل انتقادهای و حملات آنها به دولت برای آن است که مبادا سیاست های کج و دارمیز آنها موجب تقویت صف مستقل شهروندان و نفش آفرینی آنها بشود. آنها تجربه جنبش اعتراضی سال ۸۸ را بخاطر دارند و می دانند که در جامعه مملو از مطالبات معوقه و آکنده از نارضایتی و خشم، از شرکت اعتراضی در انتخابات تا پس گرفتن رأی خود و تا شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه، راه درازی نیست.

نکته دوم آن که دولت کنونی اساسا بدنبال چانه زنی و لابی گری در بالاست، تا ایجاد فضای لازم و تنفسی برای سازمان یابی و حضور فعال مردم و جامعه مدنی. چنانکه عدم صدور مجوز راه پیمائی کارگران در ماه مه امثال و یا عدم صدور مجوز برای همایش و نهادهای مردمی و مستقل و یا ابطال تصمیم های غیرقانونی جناح تندرو در بستن غیرقانونی روزنامه ها (که توقیف روزنامه قانون به بهانه واهی از آخرین آنها بود) حاکی از انفعال و بی عملی دولت است.

واقعیت آن است که در برابر تحركات عملی باندها و جناح افراطی، دولت روحانی بیشتر به گفتار درمانی توسل جسته است که به هیچ وجه پاسخ گوی تعرض این جناح نیست. انفعال او در برابر حمله به زندانیان سیاسی نمونه بارزی از این رویکرد است. اگر آنها می توانند براحتی همایش هایی چون "دلو اسپیم" برگزار کنند، چرا مثلا کانون نویسندگان

ایران، هم چون سالیان گذشته، قادر نیست که مجمع علنی و قانونی خود را برگذار کند و یا کارگران و دانشجویان و زنان و ... چرا قادر نیستند همایش‌های مشابه برگزار نمایند؟ اکثریت مردم ایران هم بطریق اولی حق دارند که دلواپسی‌های خود را با صدای بلند مطرح سازند، با صدائی چنان بلند که فریاد شبه فاشیست‌ها در برابر آن حقارت خود را به نمایش بگذارد.

۱

ز قضا بهترین شیوه خنثی کردن این توطئه‌ها فراهم ساختن فضای تنفسی برای برگزاری تجمعات و سازمان‌یابی نیروهای آزادیخواه و عدالت‌طلب و حفظ امنیت همایش‌ها و تجمعات در برابر تهاجم‌های شبه فاشیست‌ها است که در متن چنین روندی جامعه سرشار از مطالبات معوقه و انباشته شده می‌تواند رفته رفته روی پای خود بایستد و خود توطئه‌های آنها را خنثی کند.